شوق شهروندی (1)

حجت الاسلام محمد سروش محلاتی

1- اشتاد حوزه علمیه قم و عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

چکیده

نتیجه‌گیری از مهجه‌های یکی از مسائل دینی است که پیامدهای اسلامی، اطلاعات و آگاهی کامل دانش‌گان، با توجه به افزادن علم و خبره مراکز کرده و بر اساس آن عمل کنند. اما آیا تقلید بدان معنی است که حتی اگر یکی به اشتیاق خود و مختصات حاصل شود، پیام‌هایی پدیده یا پژوهش?

بسیاری از مقدمان چنین پنداری دارند و تقلید را در تخلیه عقل و فکر می‌بینند، ولی فقه‌ای برگ شفاهی که تقلید را در قلمرو تجویز عقل چایز می‌دانند، با این برداشت مخالفند.

با قبول این مبانی اصولی، این امکان وجود دارد که که مقدمان، در قانونی که از مرحله خود اخز می‌کنند، پیشرفت ترید شده و حتی به دلایل خاصی آن را غیر قابل قبول بدانند. در این مجموعه، هدف عبارت بر این اکتارها یا شهروندان به شدید در پایان نیتینه گرفته شده است که فقه با بهترین مفهوم می‌باید مدل‌های خیلی جدی گرفته و حتی اعتراضات آنها را عالمانه تحت کنند. این گونه کاری، به نظر تهیه‌کننده فقه ثقافت می‌شود، به‌طورکه در افتتاح متميز و کم‌کنند و به عکس مقاومت در برقرار آن، زمینه انتخابی فقه را فراهم می‌آورد.


نویسنده مسئول: حجت الاسلام محمد سروش محلاتی، حوزه علمیه قم و عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

e.mail: m.soroosh.mahallati@gmail.com

طرح سوال

در جامعه اسلامی در حکمت دینی که شهروندان مسئولیت دینی خود را از مرحله تقلید اخذ کرده و به «قنوآن» آنها عمل می‌کنند، و مسائل اجتماعی ای را که بر امر دوستی و به «محکم» در عمل می‌نمایند، درک و فهم شهروندان در قلمروی اعتبار دارد؟ آیا شعور و تحلیل آنان در پایان «قنوآن» و «محکم» است؟

در پاسخ به این سوال با پیدایش دانش‌آموخته که در نظامهای عرفی، قانونی بنکه سند معتبری است که تحقیق و تکنیف شهروندان را از اخز می‌کند و فراتر از آن، قانون و حکم جامع‌تر که قانون بلایی که ایجاب می‌کند و آنها شهروندان به‌ازار، وظیفه اجرای قانون و احترام به آن را برهم‌دارند، اما وظیفه مانع از آن قانون و حتی تلاش برای تغییر قانون با استفاده از راهکارهای مشخص و تبعیع شده ندارند، ولی در حکمت دیگر، شهروندان علائم بر لازم‌ات قانونی، با دوگونه الگو دیگر نشان می‌دهند.

روپیغه مبناش:

الف) الاعلامی که از سوی مفتنین اعلام می‌گردد و شهروندان مقدّم پیام با آن فعال ملظم باشند.

ب) الامانتی که از سوی هاکم اعلام می‌شود و شهروندان و دولتمردان با پیام آن را رعایت کنند.

در این صورت، دخالت هاکم برای شهروندان محدودتر شده و «الزامات محدودتر» بنزیکی است که در این شرایط اس و طرح مطرح می‌شود که شهروندان متون و متعهد به شریعت، در چه قلمروی می‌توانند به «تشخیص خود» عمل نماید و حتی درک و شعور او، بر قانون و حکم نژاد تقدم پیدا می‌کند.
تحقیق و بررسی

تلیفیق را می‌توان یک رفتار عقایلی دانست که بیانی آن «رجوع جاهل به عالم» است و در اسلام نیز مورد تأیید می‌باشد. قهرآ در مسائل دینی هم، کسی که نمی‌تواند به طور مستقیم از مبانی فقیه استنباط کند، باید به مجتهد که «خبره» است مراجعه نماید و مطالب نظری اعمال کند. اما یعنی عمل مطالبی که به وظیفه‌ای دارد؟ اگر چیزی خوشن دردیده باشد، یا بی‌کاری این نظر کرده‌ای برای تصمیم گیری بی‌علامتی نشده باشد به همان نظری اعمال کنی یا نه؟

اگر تلفیق، مبانی عقایلی داشته باشد، آیا در چنین وضعیت‌باز هم تلفیق کردن از سوی عقایل توصیه می‌شود؟ مثل فردی را در نظر بگیرید که به یک نظر، متخصص مراجعه کرده، ولی وقتی نشانه یک نظر مقایسه می‌کند، با توجه به اطلاعات ناقص که دارد یعنی؟ بپیدا کند که یک نظر اشتباه کرده است، آیا باز هم خرده‌ماندن به او توصیه می‌کند که بایسته‌ماند؟

مصرف کنده؟

از نظر زندگی‌های محققان اسلامی پاسخ به این سؤال منفی است. میرزا شیازی بزرگ که در اوج فتق‌شهری قرن اخیر قرار دارد، چنین تلقیه‌ی را مطرح می‌کند و می‌گوید دلیل جوان تلفیق، شامل چنین مواردی نمی‌شود و کسی که در مسائل اعتقادی بر خلاف اعتقاد محتوی رسانده، نمی‌تواند را به تلقیه نظر محتوی دانست.

محقق برفیست مالک کمال خراسانی نیز تلقیه کردن از فتیوی به‌عنوان اعتصاب به خطا و اشتباه آن دارد را در «غابت مشاوره و ادعا جوان‌داد» یا محدودیت را در مواردی می‌داند که مطلبی قبلاً اعتقادی داشته‌باشد.

«جوان‌داد» در مسائلی باعث مقدل بی‌ربطی ماجته‌ی فیفا و عدم الیکاکی بنظری در غایب الامکان و المسلمین مدل در این جوان‌داده‌ها و وجود آن‌ها همچنین بی‌علیه‌ی دیگر این دو امر را یک‌سانی می‌کند که مطلبی را نسبت به یک نظر دیگر می‌توانیم. در این صورت چنین فتیوی نمی‌تواند برای یا «حیفیتی» باشد و باید به فتیوی دیگری که چنین محدودیت ندارد عمل کند. به همین دلیل است که فتیو در عصر حاضر، از آن استفهامی که در میان عارفی شده و از جمله به، در اثر استحکامه، انجامی‌خواهی می‌کند. این نظر مؤثر و محصول‌آن عیناً مردان «محکم‌زاده» پیشنهاد می‌شود که حتی از رفتار دیده و اثری در همه جوان‌داد اعمال شود. به تمامی اصطلاحات و ابزارهای انتظار تلقیه در دشوار، چه اینکه «شرعیت» نیز چنین تلقیه‌ی برای آنها جا نمی‌سازد.
انکار مقفلان
اینک به اعمالی می‌توان اشاره کرد که چرا و چهکنن. گاه مقفلان، فتوایی را غیر قابل قبول می‌شمارند و فهم ناقص خویش را در بر

استنباط قفقاً، ترجیح می‌دهند:
1- در احکام اجتماعی و اقتصادی که درک «مصالح و فضای» برای عقل رضایت انسان دارد، فتوایی که صرفاً یک جنبه صوری یک
مستقل را حفظ می‌کند و از مصالح انسان می‌گیرد، ممکن است مقفل را در موضعنی و اکثر قرار دهد. مثل فتوی بیشه قرض
ربوی، حرام است ولی با ضیمانه کردن یک سیر نیابت، خلاف شد و می‌توان میلادرهها توانان از این راه «درآمد مشروط» کسب
کرد!
2- در مسائل اخلاقی که زشت و زیبا است عمل برای «وادیان انسان» قابل درک است، گاه فتوی به مجاز بودن موازی از یک
عمل زشت و قیه، برای مقفل باور نکردنی است، مثل فتوی به اینکه دروغ کنن و یا وعده دروغ داشن، فیحی و حرام است، ولی
نشور استثنایی می‌تواند در همه خود و عده دروغ بدهد!
3- در مسائل دینی مثل ملوم سیاسی گاه «انش باقر» به نتایجی می‌رسد که برای یک انسان حصول کرده، فتوای نیازگر یا
آن قابل قبول نیست، مثل از «خوانه» یا «ذپیرفتن» است. که قدرت مطلق، موجود هستند ولذا نباید با نظارت و
دورهای بودن مهار و کنترل شود، از این رو برای مقفل فتوایی با این دستورالعمل مقبول در تضاد باشد، قهرآ نبوده به آن
فتوات اذیات با غیر مکن خواده بود.
4- مباحثاتی از نوع بحثی «حقوق بشر» به چنین به لحاظ مبانی نظری، از «قطعیت» برخوردار نیست و همین نتیجه که گاه
این مسائل در باور و دنیای یک نسل نشانه و اعتبار پیدا می‌کند، که در حکم مختال آن، از اعتبار جلوه می‌نماید، مثل
امروزه بسیاری مسلمانان مقفلک که به مجازات قتل برای مرد، چنان نابایران نگاه می‌کند که حاضر نیستند این فتوای مورد
شمال را به اسلام نسبت دهند.
5- تجربه کرایی نسل خاصی، موج دهن آن شده که آنها در داخلی نسبت به اعتبار فتوا می‌بایست اعتبار قانون، به سراغ «تجربه» رفته
و «کارآمد» بودن ملاک درست با عقل بودن آن بدانند. آنها به فتوایی که آرامان موقفي از آن دیده نشده، برچسب به اعتبار
می‌زنند و بر اعتبایی که آن فتوات رسمی هست، حتماً به اعمالی مثل اکثریت آن تعلیقه دهند. این فتوایی می‌کنند، حال قضاوت، مثل اکثر آمار و ارقام، موقفیت فتوایی را در پاب
تقلیل مفکور اخلاقي اجتماعی یا اقتصادی تأکید نکرد، بر آن فتوات اعتنام نکند.
6- یک زندگی بشر به سرعت در حال تحویل یاس و این تحول هر چند با ناسازگاریی نیز مهم است، ولی به حال از چنین همیشه و
اعتباری برخوردار است که اگر فتوایی نتواند با این تحول همراه گردد و به گونه‌ای با آن ناسازگار باشد، در نظر
بهتری از این شهرنامه می‌باشد، مدتهاً یک امر ضروری، تلقی شده و کنار گذاشته می‌شود. اعتراض حضرت امام، به شاگرد مجدید صاحب
نورش آیه الله قدریی-همین بوده که در داشت شما، تمدن بشری را نادیده می‌انگارند و انسانها را به عقب بر می‌گردد:
آن گونه که جناب عالی از اخبار و رواهی برداشت دارید، تمدن جدید، به کلی باید از بین برود و مردم کوچ نشنای بوده و یا
برای همیشه در صحرای زندگی نماندی» (1)

مظلمان هم که با همان منطق، فتاوی را نقدی می‌کنند و از پذیرش آن سر به مزند.
7- تغییر در سنت‌های اجتماعی و فرهنگی، گاه چنان عمیق است که آنهن برای گسترشکان کامل عادی و طبیعی جلوه می‌کند و مورد
پذیرش قرار می‌گیرد. برای اموری، کامل عادی و اعجاب براپارای کسب عدالت و مورد اکثر قرار می‌گیرد، مثل اجرای معیار عقد
ازدواج دلایل به موجب برای دختران خردادستان و حتی نوزادان قبل مورد اعتراض قرار نمی‌گیرد. ولی امرز قانونی که یک این کار
صحب می‌گذارند و آن را تأیید می‌کنند، برای پسیاری، پذیرفتنی نیست و به عقیده «خطر» مورد تحقیق قرار می‌گیرد.
شروع شهروندی (1)

با توجه به عوامل فوق، تقیید در حال کگر به دوره جدیدی است. در این دوره انتخاب و قرار دادن به ملاقات فلسفی هدف از م毆که قطعی که بیگانه، هدف صرفاً این انتظار و وجود دارد که آنالتر و در فضای فاصله زمان خود یک قرار داده نمی‌شود و باز هم دو فاصله که نیست. چرا که این روش راه تدریجی را به روش ملکی مسعود مسیح پس از آنها را در تضاد بین دریافت‌های درونی خویش با دریافت‌های بیرونی از مجزه‌یان به "تحسی" می‌کشاند.

نتیجه آن‌ها

1- آنچه اینک در فضای دینداران وجود دارد که ملکیان هم خود را می‌دانند. گرود بر می‌گذارند. واقعیت انکار ناپذیر است. تخلطه این واقعیت، مشکلی را به نفع قطعی حل نمی‌کند. ملتیان قطعی جز آن دارد که انتظارات این فضا را به نظر خود می‌پیمایند. به خصوصی که برخی از آنان با آثار کریم در سه کتابی به نام کتاب‌های خود در شبکهی اینترنت، قدرت و بحث‌های قطعی را که مصرف شده و خود در توسیع این وضع می‌شوند.

2- آنها واقعیت را با تهدید نگرانی کننده برای فاصله و آینده آن تلقی کرده و یا سانحی‌های آن به عنوان فرضیت‌های فی‌بی‌تیینی عالمانه و عقلانی احکام شرعی استفاده کرده و تقوی احکام الی بر قوانین بشری را به اثبات رسانده. حضور امام خمینی از چنین فضایی استقبال کرده و اظهار خوشحالی می‌کرده: "کتاب‌های فلسفی برکاروا اسلام پیروز از اختیارات نظر از آنها که در کنارشته این اختیارات و همچنین" قبیل‌های عربی ضبط می‌گردد. قبیره‌های توده‌های مردم از آن بی‌خبر بودند و اگر هم باعث آمده. تعبیه‌ای مسئول برای شاخه‌ای نداشت. اما امروزه "بکمال خوشحالی" به مناسبت انقلاب اسلامی حرفه‌ای قطعی و صاحب نظران در زادو. تلویزیون و روزنامه‌ها منعکس می‌گردید. چرا که "نیاز عمی" به این بحثها و مسائل احماس می‌شد.

3- اگر نیک و روانگری "یک فتوی" از سوی بخش ملکیان؛ برای برداشتی قطعی غیر قابل تحلیل باشد و آنان را به موضوع ناراحتی بکشاند که جاهالان. حق اظهار نظر در قطعی را تدارک می‌کند. چرا با وضع خطرناکی در فاصله گرفتن از "دين و شرعیت" باپردازه بود. چرا که ممکن است با یکونه برخوردها انتقام و اعتراف به یک فتوی و اهتمام به وارزی از ذهن و نظام دینی بیانجامد. (4)

از سوی دیگر نیک یک فتوی از اثر "اعتقاد به خطای" مجتهد را به معنی "انکار حکم خدا" تایید تلقی کرده چرا که ملکیت امتعاق به اشتیاق مطقی دارد. نه آنکه فتوی او را کافی از حکم خداوند دانسته و درصد انکار پرآید.

4- تغییراتی که در فضایی کنون انفعالی می‌افتد و در این مقایسه به برخی از آنها اشاره شده، علامت آن است که چشمانداز تقیید در حقل و دنیوگرایی است. مثال‌آ کتابی صرفاً "علمی" متقن، سلاک ترجیح یک فتوی بر فتوی دیگر انتظاری "سازگاری فتوی با ذهنی مطلق" نیز. موجب ترجیح می‌شود. چون مطلق نیست، فتوی به قطعی بر ترجیح قطعی اش می‌باشد. "ملزم شود حتی آن فتوی، از مطقی اعتماد صادراً شده باشد.

5- همان‌گونه که فتوی قطعی، در فرآیند جامعه تأثیرگذار است و ذهن و رفتار شهروندان بر طبق آن کوپ شکل می‌گیرد، متقابل فهم و شعر شهروندان و قضاوت آنان نیز فتوی را تحت تأثیر قرار داده و به مدور موج عالی‌تر می‌شود. در نهایت مسیری از فقهای قرن اخیر، عدم صلاحیت زنان برای شرکت در انتخابات موضوعی واضح و بدنی بوده که به آن نیز می‌دانند. تا چکی که شهید مدرس در مجله شورای ملی کرد: "نیروی در سمت اسلام تحت قومیت رجال مستند و اباً حق انتخاب دارد." (7) ولی وقتی زنان به مبانی آمدهند و مدعی این حق شدند، فتوایی فقیه نیز راه را بات کرده، بدون شک اگر ابتکاری به دست فتوات بود هنوز هم این انتقاد رخ نداده بود.
حقت الاسلام محمد سروش محلاتی

فقه و هر دانش تخصصی دیگری که به سطح عموم مردم تشکل گردد، "افتخار" خاصی نیز بیان می‌کند. قضاوت‌های عاملی مردم در موضوعاتی که خارج از تخصص آنها، معمولاً با "سطحی نگری" همراه است، آنها برخلاف متخصصان به همه ابعاد و زاویه‌های یک موضوع، تسلط کافی ندارند و جوزدگی در میانشان شایع است. این رو در استنباط فتوی‌های این گونه آفت‌ها، غلت کرده است. اعتماد به شعور شهروندان نباید از عمق مباحث فقهی بکاهد.

(ادامه دارد)

منابع

2- خراسانی محمد کاظم. درن قواعد، اول. قم: موسسه توسعت فرهنگ قرآنی: ۱۲۸۸.
3- رشیتی حسین. بذال افکار، اول. قم: موسسه آی الیبت (ع): ۱۳۱۲.
4- عراقی ضیاء الدین. مقالات الاصول، اول. قم: مجمع الفكر الاسلامی: ۱۳۱۲.
5- منتظری حسینعلی. استفساتات. قم: بی جا؛ بی تاء(۴):
6- امام خمینی. صحیفه امام، اول. تهران: موسسه تنظیم و تشر آثار امام خمینی: ۱۳۷۸.
7- ترکان محمد. مدرس در پنجم دوره تحقیبه، اول: دفتر نشر فرهنگ اسلامی: ۱۳۶۷.

جلقه دندانپزشکی جامعه اسلامی دندانپزشکان/دوره ۳/شماره ۱/بهار ۱۳۹۰.